



فوت و فن

ضمیمه نوجوان

شماره ۱۱۸ ■ مهر ۱۴۰۰

نوجوان
بازار



اسما
آزادیان

راه‌هایی برای بالا بردن مهارت حل مسئله

چکار کنم خوب شوم؟!

وقتی هنوز مدرسه‌ای بودم، کتاب ممنوعه‌ای بود که راه حل تمام مسئله‌های کتاب درسی در آن وجود داشت و اگر معلم یا ناظم آن کتاب را در کیف‌تان پیدا می‌کرد، کارتان با کرام‌الکاتبین بود. یک روز پس از یک جاساز ناموفق یکی از این کتاب‌ها، معلم‌مان اول ساعت قبل از این که درس را شروع کند، گفت: «فرصت فکر کردن را از خودتان نگیرید. با این راه حل‌های حاضری شاید نمره‌تان ۲۰ شود، ولی ذهن‌تان رشد نمی‌کند. یاد بگیرید خودتان راه حل‌های جدید خلق کنید. اگر حالا نتوانید جواب یک سؤال ریاضی را بنویسید، فردا با مسئله‌های جدی زندگی‌تان چه کار می‌کنید؟» شاید بگویید دارم شعار می‌دهم اما از فردایش دیگر هیچ کدام مان سراغ آن کتاب ممنوعه نرفتیم.

فکر کن!

همه ما وقتی مشکلی جلو راه مان سبز می‌شود، ممکن است آب روغن قاطی کنیم و به خاطر ناراحتی یا خشم، برویم سراغ راه حل‌های احساسی و خیلی از قوه تفکرمان کمک نگیریم. اما تجربه می‌گوید راه حل‌های احساسی و لحظه‌ای معمولاً به بن بست می‌خورند. پس فکر کنید، حتی اگر اوضاع خیلی قاراش میش است.

خطای دید

ممکن است نوع نگاه ما به مسائل اشتباه باشد. گاهی باید برویم و در نقطه‌ای دیگر بایستیم و به ماجراها نگاه کنیم یا زاویه دید آدم‌های دیگر را هم مدنظر بگیریم تا راحت‌تر راه فرار از مشکل را پیدا کنیم.

مسئله ما چیست؟

دوران مدرسه همیشه به ما می‌گفتند خواندن صحیح صورت سؤال نصف جواب است. اینجا هم قبل از حل مسئله باید برویم سراغ فهم و درک خود مسئله. ابعاد مشکل مان چیست؟ چقدر بزرگ است؟ چه اندازه ما را به هم ریخته یا چه اتفاقاتی را رقم زده؟ تنها به شخص خودمان مربوط است یا به آدم‌های دیگری هم مرتبط می‌شود و... سوال‌های مهمی هستند که باید جوابشان را بدانیم.

ماهیچه خلاق

خلاقیت مثل ماهیچه‌ای است که هرچه بیشتر از آن کار بکشید، قوی‌تر می‌شود. آدم‌های خلاق هم از بدو تولد خوشفکر نبوده‌اند، خلاقیت را یاد گرفته‌اند. با دیدن ایده‌های خلاقانه، فکر کردن و طراحی مسیرهای متفاوت از آن راه مرسوم و معمول می‌شود این مهارت مهم را فرا گرفت.

یاد بگیر!

وقتی کارمان به مشکل می‌خورد، می‌رویم سراغ آدم‌هایی که بزرگ‌ترند یا بیشتر می‌دانند. معمولاً آنها که بیشتر مطالعه می‌کنند، به خاطر ارزش افزوده بالای دانش‌شان، راه‌های بهتر و عملیاتی‌تری پیشنهاد می‌کنند. پس هرچه قدر بیشتر بدانیم، روزی که به کارمان گره می‌افتد، خودکف‌تر خواهیم بود.

بنویس!

وقتی دارید فکر می‌کنید، حتماً یک کاغذ و خودکار کنار دست‌تان باشد تا هم بارش‌های فکری و ایده‌های‌تان و هم مراحل کاری که قرار است انجام بدهید را بنویسید. البته از مهندسی معکوس غافل نشوید. اگر یک بار از آخر به اول مراحل برنامه‌تان را چک کنید، معجزه می‌شود.

ساده سازی

مشکل را تا هرجا که شده ساده‌سازی کنید. چیزی که خیلی شمارا به هم ریخته است، در یک خط بنویسید تا راحت‌تر بفهمید باید چه کارهایی انجام دهید. اصلاً ممکن است در همان قدم‌های اول ساده‌سازی، بفهمید مشکل‌تان آن قدرها هم که فکر می‌کردید، بزرگ نیست.

مسیر مستقیم

راه حل‌های خلاقانه لزوماً پیچیده نیستند، گاهی خیلی ساده‌اند. برای حل مسئله‌های‌تان دنبال چیزهای عجیب و بزرگ نروید، اول از همین ساده‌ترین چیزها و دم‌دستی‌ترین توانایی‌ها و داشته‌های‌تان استفاده کنید.

مشورت گرفتن

وقتی عمیقاً درگیر مسئله‌ایم، شاید خیلی چیزها را بابت نزدیکی‌مان نبینیم یا نفهمیم، برای همین اگر کسی را پیدا کنیم که نگاه موشکافانه‌ای آن گوشه‌هایی که از چشم ما پنهان است را ببیند و علاوه بر آن ایده‌های نو و جدید داشته باشد، حسابی کمک حال مان خواهد بود.

نه به روزمرگی!

از برنامه‌های روزانه و معمول زندگی بیرون بزنید. راه‌های جدیدی را برای رسیدن به خانه امتحان کنید. کاری که همیشه با دست راست انجام می‌دادید را با دست چپ انجام دهید، به شکل‌ها و تصویرهایی در خیابان که همیشه از کنارشان ساده می‌گذرید، با دقت نگاه کنید. مخلص غیر معمولی باشید و یک جور دیگر نگاه کردن به دنیا را یاد بگیرید.

فرصت‌ها

مهارت حل مسئله یکی از مهم‌ترین توانایی‌های آدم‌های موفق است. اگر به خودتان اجازه می‌دهید از مشکل‌ها برآشفته یا ناامید شوید، احتمالاً همیشه در سختی و تنگنا هستید و راه حلی هم پیدا نمی‌کنید. مشکلات را به عنوان فرصتی برای یادگیری، خلاقیت و پرتحرک بودن ببینید.

